

تصویر باغ و عناصر منظر در قرآن با تاکید بر سوره الرحمن

محمد رضا پورجعفر*

بهزاد وثیق**

چکیده

در بینش اسلامی توجه به چگونگی جهان پسین در دامنه وسیعی از منابع، از متون اولیه آن تا منابع عرفانی و احادیث و ادعیه توجه خاص دارد. یکی از موضوعات، روایت معاد و بهشت است که در جایجای قرآن از آن نام برده شده است. سوره الرحمن در این بین، به علت توصیفات بدیع از باغ ابدی بهشت، جایگاه ویژه‌ای یافته است.

در این مقاله، ابتدا با مطالعه پیشینه عناصر اصلی باغ اسلامی مانند درخت، آب و ... در تمدن‌های گذشته به اسطوره‌شناسی این عناصر به مثابه عناصری در ارتباط با امری قدسی، پرداخته می‌شود. پس از آن با مطالعه بر روی دیدگاه حکمت اسلامی در مورد عناصر مذکور در قرآن و نمونه‌های باغ اسلامی، سعی شد تا به مفهوم حکمی بهشت نزدیک شده و سپس با جستجو در متن قرآن و توجه ویژه به سوره الرحمن، تفاسیر مربوط به این سوره مورد مطالعه قرار گرفت.

از کلیت مطالب می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تصویر باغ در سوره الرحمن بر اصول و عناصر منظری خاص تکیه دارد. توصیفات قرآنی از این عناصر، چگونگی ارتباط آن با هم و حکمتی که در لوای آن وجود دارد، شکل خاصی از باغ را ترسیم می‌کند که نمونه آن را می‌توان در باغات اسلامی تا به امروز دید.

واژه های کلیدی

سوره الرحمن، باغ، بهشت، عناصر منظر.

* pourja_m@modares.ac.ir

** vasiq@modares.ac.ir

* دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی دکتری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

قرآن همواره برای مسلمانان به عنوان کتابی که در آن دستورات زندگی دنیوی و سعادت اخروی گنجانده شده منشا الهاماتی بوده که به کمک آن به طبیعت پیرامون خود شکل داده‌اند. مسلمانان با این نحوه نگرش، نه تنها دست به تغییر طبیعت زده‌اند و محیط را در ابعاد انسانی خود درآورده‌اند بلکه در این رهگذر با توسل به این منبع شریف، رنگی قدسی به حیات خود بخشیده‌اند.

باغ به‌عنوان بارزترین این الهامات، ساخته‌ایست که نه تنها به نیازهای روزمره او پاسخ می‌گفت بلکه با مفاهیمی که در خود نهفته دارد انسان را به تفکر و تدبیر در آیات الهی نزدیک می‌کند. از اینرو باغسازی اسلامی نوعی عمل آیینی محسوب می‌شود که در آن معمار مسلمان مجموعه‌ای از نشانه‌های عالم کبیر را در قالب عالم صغیر این دنیا نشان می‌دهد.

کتاب آسمانی اسلام سرشار از تعبیر و توصیفاتی است که نه تنها به مواردی از باغ‌های مردم مختلف مانند مصریان و نیز بهشت شاد اشاره دارد، بلکه با توجه ویژه بر باغ کامل که از آن با تعبیر جنت، روضه رضوان و... نام می‌برد، زمینه مناسبی برای الگوبرداری مسلمین از آن در باغسازی دهه های بعدی فراهم می‌کند. سبوره‌الرحمن با آیات متعدد خود در زمینه توصیف بهشت، یکی از مشخص‌ترین سرمشق‌هایی است که مورد توجه پژوهندگان و معماران منظرسازی اسلامی طی قرون مختلف بوده است. این سوره دقیق‌ترین شرح را در زمینه شکل، نوع و سایر خصوصیات باغ بهشت بدست می‌دهد.

در این مقاله سعی شد تا با بررسی این آیات به بازخوانی باغ بهشت بپردازیم که در شناسایی باغسازی دوران اسلامی و نیز معنای باغ از دیدگاه قرآن امری ضروری بنظر می‌آید.

پیشینه عناصر باغ

باغ اسلامی از آغاز تا حال دارای عناصری مشترک بوده که باوجود گذشت سالیان، ارزش گذشته خود را در باغ حفظ کرده اند. درخت و آب عناصر طبیعی هستند که در این باغها همواره نقش اصلی را بازی کرده‌اند. این دو عنصر در توصیفی که قرآن درباره بهشت دارد نیز نقشی موثر و فراگیر دارند. از اینرو با بررسی اهمیت درخت و آب در فرهنگ‌های مربوط با محل پیدایش اسلام و اشاراتی که در کتب آسمانی پیش از قرآن آمده می‌توان به درک پیشینه این عناصر، خارج از فضای اسلام توفیق یافت. این مقایسه ما را در درک هرچه بیشتر معنای باغ ازلی کمک می‌نماید.

حضور درخت در تمدن های همجوار با عربستان

در دوران باستان به تعداد متنابهی از نقوش و موتیف‌هایی مربوط به درخت برمی‌خوریم. درخت به تعبیری ترکیب آسمان و زمین و آب و درمجموع، کل عالم عین است که حیات ساکن را در مقابل با آنچه در سنگ و موجودات جمود یافته است، متجلی می‌سازد [کوپر، ۱۳۷۹: ۲۱۵]. این نکته قابل ذکر است که درخت برای بسیاری از جوامع کهن نماد خدا و یا جایگاه ذاتی متافیزیکی بوده است و به‌علاوه در اندیشه آنان درخت همواره علت باروری، سرچشمه حکمت و دانش، نامیرایی و تجلی آسمان است [هال، ۱۳۸۰: ۱۲۴]. سومریان درخت را نماد نوسازی کیهان می‌دانستند که هفت‌شاخه آن هفت سیاره و هفت آسمان را نشان می‌دهد. آنان درخت و الهه مادر را در پیوندی متناظر می‌دیدند [پرادا، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۷]. در داستان پارسی آفرینش، مشی و مشیانه را به‌شکل دو درخت بهم پیوسته می‌انگارد که بعدها از آندو ده نژاده آدمی زاده‌شد [فربود، ۱۳۸۱: ۴۳]. در ایران زروانی، هئوما نام درخت زندگی‌ست که میوه آن، غذای بهشتیان بود. در مصر باستان نیز اعتقاد بر این بود که مردگان پس از وفات به مزرعه‌ای پر برکت وارد می‌شوند [آلبرماله، ۱۳۳۲: ۷۴].

در متون اسلامی نیز درختان نقش شاخصی داشته و خدا گاه در درختی خود را بر انسان عرضه می‌دارد و تجلی ذات او درختی‌ست چونان که آتش گرفته باشد، به اطراف نور می‌افشاند و یا حتی به درختان قسم می‌خورد^۱ که نشانه جایگاه رفیع این عنصر در نظام جهان‌بینی اسلامی است. از آن گذشته در قرآن به کرات از درختانی با نام‌های چون درخت خرما، زیتون، انگور، انار، انجیر، سدر، گز، درخت مسواک، حنا، نبات خیارمانند، اقاقیا، درخت خردل، ریحان، طوبی، سدره‌المتهی، زقوم و بسیاری از درختان که تنها با نام شجره از آنها یاد شده برمی‌خوریم که نشانه‌ای از اهمیت عناصر سبز در کلام خدا دارد.^۲

[شبستری، ۱۳۸۴: ۵۸]

در آ در وادی ایمن که ناگاه درختی گویدت^۳ انی انا الله

با توجه به مطالب بالا می‌توان به ارتباطی محکم بین درخت و معنای الهی آن دست یافت که این پیوند از اولین نقوش انسانی تا امروز دیده می‌شود.

درخت نشانه عروج به آسمان و نشانه‌ای از ارتباط با دنیای ملکوت داشته، بدین معنا که درخت به تدریج از الهه‌گان و ارباب انواع زمینی رسته و با عالم آسمان گره می‌خورد. از این گذر درخت خرما با تناظری که در حکمت با انسان دارد، خود را بیش از سایر درختان می‌نمایاند.

حضور آب در تمدن‌های همجوار با عربستان

در میان سومریان اولیه باریدن باران و سیلی که پس از آن جاری می‌شد، به دو خدای انلیل (خدای خدایان) و انکی، (خدای آب و حکمت) منسوب بود [1969, Kramer: 51]. در ایران باستان نیز آب پس از آسمان دومین آفریده از آفریدگان هفتگانه‌ای است که اورمزد خلق کرده و اصل همه آفریدگان بجز تخمه مردمان و چارپایان مفید از آب پنداشته می‌شد [دادگی، ۱۳۶۹: فصل اول، بند ۳ و ۵۴]. مصریان نیز با احترام از رود نیل به عنوان خدای هپی^۴ یاد می‌کنند و او را به شکل انسانی که مشغول شیر دادن است، تجسم می‌کردند [Griffiths, 1966: 57-61].

آب و هوای سوریه و فلسطین نیز در گسترش آیین کنعانی^۵ نقش پراهمیتی را بازی کرده و تقریباً همه آیین کنعانی در حول این تشویش و ناامیدی ساخته شده است، یعنی آرزویی دور و دراز برای داشتن زمینی همواره حاصلخیز و دارای آب [Bally, 1971: 48] که همین نمود را می‌توان در محل پیدایش اسلام نیز دید.

در فرهنگ اسلامی با توجه به محیط خشک عربستان و حوادث مهم تاریخ اسلام بالاخص تاریخ شیعی، که با این عنصر گره خورده است، می‌توان حضور برجسته آب را در قرآن و ایجاد نشانه‌شناسی فرهنگ اسلامی دریافت.^۵

با این توصیفات می‌توان بوضوح دید که ارزش معنوی آب در میراث بشری چنان است که آنرا به خدا و یا خدایانی بلندمرتبه مربوط می‌ساختند و خلقت جهان و حیات دنیوی و اخروی نیز ابتدا با آب گره می‌خورد.

آبادانی در دوران نزول وحی

با شناخت اقلیم عربستان و تاثیر آن بر باغبانی زمان حضرت محمد(ص) می‌توان به نشانه‌هایی دیگری در شناخت اهمیت باغ بهشتی بین مسلمانان پی برد.

شبه‌جزیره عربستان اقلیمی بسیار خشک را در جنوب غربی آسیا شکل داده است که نقاط سبز عمده آن به تعداد بسیار کم و پراکنده در نقاط غربی و جنوبی آن پخش شده است. در این بین مدینه، وضعیت مطلوب تری داشته که وجود سفره‌های زیرزمینی آب یکی از علل شکوفایی زراعی محسوب می‌گردد [عسقلانی، ۱۳۲۸: ۳۱]. افزون بر این عوامل، وجود تعداد زیادی از رودخانه‌ها که در زمان بارندگی و سیلاب از سنگلاخها جاری می‌شدند، [یعقوبی، ۱۹۶۰: ۶۳] شهر مدینه را در درجه اول به‌عنوان شهر کشاورزی قرار داده‌است [حموی، ۱۹۵۷: ۸۲-۸۶]. نخلستان مدینه که به حواط مشهور بودند مساحت زیادی نداشتند [ابن اسحاق، ۱۳۸۲: ق. ۶۰۶] و هر باغ دارای یک چاه مخصوص به خود بود و در کنار چاه، خانه‌ای جهت حفظ باغ وجود داشت [مطهری، ۱۳۷۲: ق. ۵۶-۶۲].

برخی باغ‌داران به دلیل احتیاط برای باغ دری قرار نمی‌دادند، مگر سوراخ کوچکی که از آن آب باریکه‌ای از یکی از چاههای نزدیک به باغ وارد می‌شد که آنرا بیعامی نامند [مسلم، ۱۳۷۴: ۵۹-۶۰]. در آبیاری باغها از آب‌رودهای فصلی و یا آب چاه استفاده می‌شد [عسقلانی، ۱۳۲۸ ه.ق: ۹۶] اما این وضعیت پایدار نبود. لذا اسلام جایی شکل گرفت که آب و سبزی در آن بسیار کمیاب بود.

برای مسلمان صدر اسلام، بهشت جایی بود با نشانه‌هایی از این دنیا ولی با پوششی فناپذیر و دائمی، یعنی آنچه که او در صحرای عربستان به دست نمی‌آورد. قرآن نیز، جزای پرهیزگاران را بهشت قرار داده است و بسیاری از نمودهای این بهشت در قرآن و تفاسیری که بر آن شده، آمده است.

طبیعت و باغ در حکمت اسلامی

نظر هر تمدن نسبت به طبیعت انعکاس برداشت و موضع آن تمدن درباره حقایق ملکوتی است [نصر، ۱۳۵۹: ۱۵]. در حکمت اسلامی در میان عناصر، ابتدا آتش و بعد به ترتیب، هوا، آب، خاک، معادن، نبات و حیوان و آنگاه در آخر همه انسان آفریده شد. در این دیدگاه آسمانها و زمین زنده اند و علم و اراده و قدرت دارند و حرکات آنها ارادی است [نسفی، ۱۳۶۳: ۶۶۶۲] و انسان نیز که پس از آنان آفریده شده است، نقطه نهایت و نیز بدایت چرخه خلقت است و این چرخه دائم در حال بازگشت به نقطه آغازین است.

چو کوه است استخوانهایی که سخت است نبات موی و اطرافت درخت است [شبستری، ۱۳۸۴: ۳۸]

در باغ اسلامی عناصر و آیات خدا از آب، باد، خاک و آتش تا آسمان، زمین، درخت و ستارگان که جایجای در قرآن بعنوان آیات الهی نام برده شده‌اند، گردهم آمده‌اند. با تفکر در این نشانه هاست که آدمی به تکامل انسانی می‌رسد و باغ با گرد هم آوردن آن در محیطی محصور به جایی مناسب برای اندیشیدن در باب عوالم کبیر و صغیر مبدل می‌شود و می‌توان آنرا با باغ‌های دیگر فرهنگ‌ها مقایسه کرد تا به این گشایش ویژه بصیرت در باغ اسلامی دست یافت. از این منظر باغ اسلامی در حکمت تمثیلی از بهشت است که در قرآن ۳۰ بار از آن با توصیف "باغ‌هایی با نه‌های روان" که در زیرشان که چهار رودخانه آب و شیر و شراب پاک و عسل ناب روان است نام برده شده است [Brooks، 1978: 45]

باغ با طبیعت خود و تسلط عناصر تطیف کننده مانند آب و درخت و آسمان، که در روایات به این خصیصه آنان اشاره شده است، در آن، انسان را از تبحر دنیوی رهایی بخشیده و او را به نهاد و فطرت خود نزدیک می‌کند، چونانکه گویی رفتن در باغ مانند سلوک عارفانه ای است که با هر قدم انسان از صافی معنوی می‌گذرد و در انتها با رسیدن به مقام انتها جامه دنیا از تن می‌کند.

چو آب و گل شود یکباره صافی رسد از حق بدو روح اضافی [شبستری، ۱۳۸۴: ۲۰]

آنچه در باغ انسان-ساز دیده می‌شود نشانه قدرتی است که خدا بدو داده و لذا با نشانیدن درخت و نظاره آسمان و آینه آن در آب است که می‌توان به قدرت اول توجه داشت و اینهمه انسان عارف را از کبر به خضوع می‌رساند. نشانه بودن عناصر تنها به کالبد آنان خلاصه نشده و روابط بین درختان و آب و خاک و گل، میان آب و آسمان و باد، بین کوشک، حوض، محور آبی و سردر خود از نظم هستی و نسبت مخلوقات و خالق اشاره دارد.

خاک در خود جوهری دارد که با بذری که در آن می‌نهند می‌تواند بذر را به درختی تنومند مبدل سازد که هم برای دیگران حیات بخش است و با آنکه پای بسته خاک است، اما سر بر آسمان دارد و هر لحظه به تکامل می‌رسد و سرانجام باز به خاک برمی‌گردد، هم معاد را در دنیای خاک نشان می‌دهد و هم نشانه معاد حقیقی آخرت است (از خاک برآمدیم و در خاک شدیم).^۶

درخت در فرهنگ و ادبیات اسلامی نمادی از حکمت خدا در خلقت بوده که هر برگ آن نشانه‌ای از معرفت و دانشی فوق بشری است.^۷ به همین ترتیب هر درخت کتابخانه ای از معلومات و دانش های متعالی محسوب می‌شود.

درخت نمونه کاملی از تجمیع وحدت و کثرت است، چنانکه از دانه‌ای درختی می‌روید با شاخه‌ها و ریشه‌های فراوان که در پایان چرخه دوباره بوسیله دانه، میوه خود به زمین بر می‌گردد.

درختی گردد از آب و از خاک که شاخش بگذرد از جمله افلاک [شبستری، ۱۳۸۴: ۳۵]

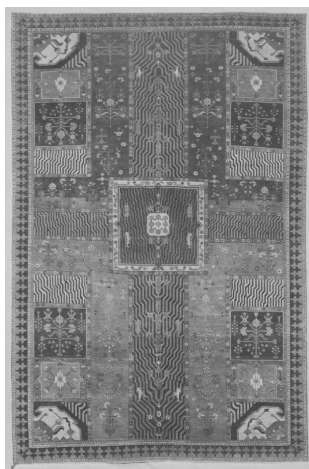
در همین رابطه درخت سبز نماد بی‌مرگی و ابدی بودن و درخت برگ‌ریز نشانه تجدید حیات و چرخه مرگ و زندگی دنیوی است. از این دست در حکمت باغسازی اسلامی طوبی نمونه ازلی ست از درخت چنار [Hanaway, 1976: 46-47] و سرو نیز نمایاگر شعله جاودانی هستی است [کورکیان، ۱۳۷۷: ۶۰].

باد یکی از آیت‌های الهی است که علاوه بر آنکه آهنگ حیات را می‌نوازد در تلطیف هوا موثر است. باد با گشتن در باغ پیام باغ را به باغ دیگر می‌برد، پیوند دهنده آب و درخت و همه عناصر باغ در یک آن به هم است و خنکای باغ را به جایی که از آن محروم است می‌برد. باد چون پیامبر برکت در باغ چرخیده و بوی خوش را به انسان و جای دیگر هدیه می‌برد. انسان‌ها با بوهای خاصی ارتباطی معنوی می‌سازند که هرگاه همان رایحه به مشامشان می‌رسد، همان خاطرات را در ذهن و روان خود مرور می‌کنند. بوی خوش گل‌های باغ یادآوری از باغ عدن است که زمانی از آن رانده شده است.

نور در عرفان و متون اسلامی نشانه خدا [قرآن، سوره نور، آیه ۳۵]، رسول الله [قرآن، سوره مائده، آیه ۱۵]^۱ و ائمه و اولیا، [قرآن، سوره تغابن، آیه ۸]، ایمان و سعادت [قرآن، سوره بقره آیه ۲۵۷]، هدایت و بصیرت [قرآن، سوره فاطر، آیات ۱۹ و ۲۰] است. سایه نیز نعمتی است که در قرآن با عبارت "نعمتی بهشتی" آمده است. اما باید دانست نور این جهان و سایه آن با مابه ازای آن در آخرت متفاوت است، زیرا در بهشت این سایه خود نوری است که از حضور در لوای رضایت خداوند پدید می‌آید یعنی سایه آن از هیچ جهت دنیوی نیست. بهشت زمینی در ساحت امور فسادپذیر است، ولی حیات باغ آسمانی در گرو نور فسادناپذیری است که بواسطه قرب الهی است [شوان، ۱۳۸۳: ۲۷۰]. سایه در دنیا نشانه کرنش است و تمام مخلوقات در برابر نورالانوار براساس عبادت تکوینی، سایه بر زمین می‌افکند تا فروتنی خود را نشان دهند [همان، ۱۳۸۳: ۳۳-۱۳۲]. اما درختان بهشتی سایه خاکی ندارند زیرا این درختان نه در قسمت شرقی باغ هستند که خورشید بر روی او افتد و نه در قسمت غربی.

سیاهی گر بدانی نور ذات است به تاریکی درون آب حیات است [شبستری، ۱۳۸۴: ۲۰]

از این‌روست که در باغ اسلامی طبیعت حیات‌بخش (آب، باد، خاک) و طبیعت زنده (درخت، گل، سبزه) بر منظرسازی سنگی و مانند آن برتری دارد و در صورت درک صحیح ناظر و هنرمند از این مبانی و نشانه‌ها، می‌توان به‌وضوح جلوه بصری الهی مانند نظم، وحدت، تعادل و تذکر را در باغ مشاهده کرد.



تصویر ۱. قالی-باغ، شمالغربی کردستان، قرن ۱۸م
ماخذ: موزه هنری متروپولیتن، نیویورک.

هندسه باغ اسلامی مشتمل بر دو محور عمود برهم است که در فرشهای ایرانی (فرش-باغ) نیز راه یافته است. در اندیشه کهن عالم وجود به چهاربخش که چهاررود آنرا از هم مجزا می‌کردند تقسیم می‌شد [آذریا، ۱۳۷۲: ۳۲]. (تصویر ۱)

قالب هندسی باغ از تسلط تفکر هندسی و تقارن جوی او حکایت می‌کند. این خردورزی ریاضی از دیرباز در معماری منظر بین النهرین و ایران جای خود را باز کرده است [زاهد زاهدانی، ۱۳۸۴: ۲۱]. تضاد بین رشد ارگانیک درختان، بوته‌ها و گل‌ها در باغ با هندسه راست گوشه باغ هندسه طبیعت را نشان می‌دهد و این نسبتها بگونه‌ای است که با نشان دادن تسلط عمده انسان (خلیفه‌الله) بر طبیعت هندسه را در باغ نشان می‌دهد [Laurie, 1968: 27]. این مطلب نشانه توجه به انسان در طرح بندیها و نمادپردازی هندسی آنست. این ترکیب را می‌توان بگونه‌ای دیگر در نقش گیاهان کاشیکاری‌ها و زمینه هندسی آنان دید. هندسه ارگانیک گیاهان و اقلیدسی محورها نشانه هندسه حاکم بر عالم کبیره و انعکاسی از ذات خداوند و عدالت وی در جهان است [Brooks, 1978: 19]. هندسه اسلامی علاوه بر بیانی ریاضی و ترکیبات پیچیده جبری با حس شهودی نیز آمیخته است و نه تنها از خصوصیات اقلیمی تاثیر پذیرفته است که با ملزومات فرهنگی و حکمی نیز یگانه شده است [رجوع شود به گزارش دیدار داراب دیبا و هوشنگ امیرادلان با عنوان "گزارش یک دیدار" آبادی: شماره ۲۸ و ۲۷].

تصویر بهشت در قرآن

قران کتابیست برای انسان تا با شناخت آن به تمامی از کلمات و حروف گذشته پا در عالم محسوسات بگذارد و درک عالم مجردات در یک‌آن به معنی خلقت دست یابد [مطهری، ۱۳۷۱: ۴۰]. از این‌رو هر جنسی از طبیعت را می‌توان با یکی از سوره‌های قران به موازات و هر نوع را با آیه‌ای و هر موجودی را با یکی از حروف منطبق دانست [نسفی، ۱۳۶۳: ۶۳]. خدا می‌فرماید: "من گنجی پنهان بودم و می‌خواستم شناخته شوم، از این‌رو جهان را آفریدم" [اسدی رازی، ۱۳۸۴: ۴۲]. لذا بهشت انعکاس خداست، نه حجابی که او را بپوشاند. ملاصدرا این معنی را بگونه‌ای دیگر می‌گوید: "لازم است که انتهای حوادث به حادثی باشد که ماهیت یا حقیقت آن، عین حدوث و تجدد باشد" [شیرازی، ۱۳۸۱: ۹۴].

باغ آشکاری است که پنهان را امتداد داده و آنرا باز می‌تاباند، همانطور که رنگین‌کمان نور بی‌رنگ را امتداد می‌دهد و باز می‌تاباند [شوان، ۱۳۸۳: ۲۵۸]. انسان نیز پس از مرگ با پیوندی که با عقول و نفوس عالم علوی دارد، به مرتبه‌ای نائل شده و بر اساس آن یا به دوزخ می‌افتد یا در بهشت طبق میزان نیل به عالم کبیر به رضوان الهی دست می‌یابد [نسفی، ۱۳۶۳: ۷۰-۷۳]. بهشت نخستین نیز باغی بود مانند باغی که خدا در معاد به آن اشاره دارد و جایی بوده که در آن اندوهی نبود و خدا انسان را به باغبانی آن گمارده بود. خداوند به علت پشیمانی آدم از گناه اول وی را به آن بهشت وعده داده و او را دوباره به آن بهشت رجعت می‌دهد.^۹

بهشت قرآنی محل استراحت و پذیرایی خستگان راه دراز که از جایی رسند بوده و این پذیرایی مداوم و بی‌وقفه است. نمی‌توان بهشت و پذیرایی آن را مانند پذیرایی این دنیا مثال زد از این‌رو رسیدن به معنی محکمی برای چگونگی این پذیرایی دور از دسترس است.^{۱۰} امام صادق (ع) در این زمینه این پذیرایی را چنین وصف می‌کند که خدا اولیاء خود را در باغ انس خود کرده است و در آن درخت‌های معرفت نشانده که ریشه‌هایشان استوار در سر آنها و شاخه‌هایشان برافراشته در حضرت الهی است و آنها هر زمان از این درختان میوه انس می‌چینند.^{۱۱} این اقامت دائمی است و لذا به تناسب این اقامت ابدی، نیز بستری فراهم شده است. این باغ دارای سایه‌ایست ابدی که نه مانند سایه دنیا از قلت نور است که خود سایه در اینجا نورست، نوری تلطیف شده از شعاع نورالانوار که اشاره به ذات باری تعالی دارد.^{۱۲} این اقامت در راحتی کامل و میزبان و مهمان از آن راضی هستند، این آرامش و امنیت (رضامندی) نقشی اساسی در باغ دارد چنانکه تمامی رنگ‌ها و توصیفات بهشتی بر این رضایت تاکید دارد.^{۱۳} خداوند برای بهشتیان خانه‌هایی و نیز قصرهایی را فراهم آورده است.^{۱۴} این خانه‌ها در نهایت پاکیزگی و زیبایی هستند.^{۱۵} بهشت دارای ۸ در است^{۱۶} که فرشتگان از این درها به دیدار و پذیرایی مومنین می‌رسند. آشنایی فضایی با تاکید بر همراهی فرزندان، همسران و والدین، آمده است.^{۱۷} از این‌رو در

بهشت ترس، عدم امنیت و مانند آن وجود ندارد، لذا بیهوده نیست اگر بپنداریم، این بهشت برخلاف باغ دنیوی، دیوار و یا حصار یا آنچه باعث عدم دسترسی به آن از سوی غیر باشد، داشته باشد.^{۱۸} درهای این بهشت به روی مومنین باز است و حصارى در این باغ دیده نمی‌شود.^{۱۹} می‌توان این مورد را در تقابل با نحوه نگهداری از باغ در میان اعراب صدر اسلام و بعدها مقایسه کرد. این باغ برخلاف دنیا، از محدودیت آب و سایر مشکلات باغ دنیوی، دور است و نیز آنکه بی عیب و نقص است و برای تمام درخواست‌های مومنین اجابتی وجود دارد که از پیش تعیین شده است.^{۲۰} در مورد نحوه آبرسانی و چرخش آب نمی‌توان نظر قاطعی داد. اگر آنگونه که چرخش آب را کنار درختان آن مانند دنیا بدانیم، که از کنار درخت عبور می‌کند، و آنرا برای قصرها و کاخ و گوشک‌های بهشتی نیز تعمیم دهیم، می‌توان به نتیجه مشابهی رسید و آن گردش آب حول گوشک‌هاست. اما اگر درخت و قصر را به موازات هم بینیم، جمله گذر آب از زیر قصر را می‌توان به این معنا یافت که آب به وسیله منافذی از قصر عبور می‌کند، که آنجا یا در حوض‌هایی چرخیده و خارج می‌شود و با عبور از گوشک راه خود را به باقی باغ می‌گشاید.

مومنین درحالی که با لباس‌هایی سبز رنگ بر تخت‌های تکیه‌داده‌اند، به تماشای آب و بهشت مشغولند.^{۲۱} درختان عمده‌ای که در باغ ذکر شده است درختانی چون سدره‌المنتهی، طوبی، انگور، و... است که نشانه اهمیت مثمر بودن درختان باغ بهشت است.^{۲۲}

باتوجه به آیات بالا به تفاوت عمده خصوصیات باغ بهشتی از ابعاد گستردگی، بهره‌ها، نظام‌مندی، کیفیت فضایی با نمونه دنیوی آن، دست می‌یابیم. درعین حال می‌توان بهشت را نمونه آمال و آرزوهای انسان برای زیستن در جهانی دیگر با مشابهات دنیای پیرامون خویش، البته بدون نقص‌های این دنیا، دانست. این نمود در تشابهات بسیار بین طبیعت مطلوب دنیا با باغ بهشتی دیده می‌شود.

باغ در متن سوره الرحمن

سوره الرحمن از متشکل‌ترین سوره هائی‌ست که در باب توصیف باغ اخروی، توصیفاتى را در خود دارد. در این سوره به طور مشخص از آیه ۴۶ تا پایان، توجه ویژه‌ای بر شرح بهشت دارد لذا از باقی آیات صرف‌نظر شده است.

در آیه ۴۶ خداوند دو بهشت^{۲۳} را وعده می‌دهد که در باب چگونگی این دو بهشت تفاسیر مختلف ایراد شده است. بسیاری از تفاسیر بر دو جنبه بهشت چه از بعد معنوی و چه بصری و دنیوی اشاره دارند. این دو بهشت یکی جنبه عدن و دیگری جنبه النعیم نام گرفته که یکی نشستگاه اوست و دیگری جای همسران و خادمان وی است (بهشت بیرونی و اندرونی است). بعضی نیز این دو بهشت را یکی به آدمیان و دیگری را به پریان نسبت می‌دهند [المیبیدی، ۱۳۵۷: ۲۵-۴۲۶]. بعضی دیگر می‌نویسند که منظور از دو بهشت، دو باغ است، یکی درون گوشک اصلی و دیگری که بیرون گوشک اصلی قرار دارد و بعضی دیگر گفته‌اند که معنایش این است که در آخرت دو بهشت جدای از هم دارد، تا هرگاه از این بهشت‌خسته شد به آن بهشت دیگر رود، تا لذتش به حد کمال برسد [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۶۲]. تفسیری دیگری نیز این دو بهشت را یکی بهشت جسمانی (بهشتی که با توصیفات نهرهایی که از زیر درختانش میگذرد ویا مانند آن توصیف شده) و یکی بهشت روحانی (به معنای رضای خداوند) معرفی می‌کند. این تعابیر در حقیقت از مقایسه آخرت با وضع دنیا ناشی شده است [طباطبائی، ۱۳۸۲: ۱۸۴]. جایی دیگر به جنس آن هم اشاره شده است. ترسندگان را چهار بهشت است: دو بهشت زرین و دو بهشت سیمین [المیبیدی، ۱۳۵۷: ۴۳۵].^{۲۴}

پروفسور آنه‌ماری شیمل در ذیل شرح مفهوم چهار باغ، به سوره الرحمن اشاره می‌کند: "امروز هنگامی که در سوره الرحمن از دو نوع باغ، دو آبشار جاری و میوه‌هایی که از هر نوع دوگونه وجود دارد و الهاماتی این‌چنینی که از کلمات آغازین سوره اقتباس می‌شود، قوه تخیل ما بندرت دچار حیرت می‌شود" [Schimmel, 1994: 18].

این ممکن است که حرفی پر بی‌راه نباشد که طرح مربعی و چهارگوش گوشک باغ‌های شاهی (که چهارباغ نامیده شده‌اند) را تقلیدی از این باغ‌های بهشت‌گونه بدانیم. این تقسیم‌بندی چهارخانه‌ای اکثراً در حول گوشک یا آرامگاهی ساخته می‌شدند که چهار آبراهه به آن منتهی می‌شد و با گذر این جریان آب از زیر آرامگاه چنان می‌نمود که باغی بهشتی بر روی رودخانه‌ای بنا شده است. ابن عربی نیز به این بهشت‌های دوگانه اشاره می‌کند. وی می‌گوید: "یکی از باغ‌ها مسکن کودکان خردسالی‌ست که پیش از آنکه به سن تکلیف و

بلوغ برسند از دنیا رفته‌اند و دومین باغ نیز مسکن مومنینی است که به علت سزای گناهانشان تا زمانیکه عقوبت به اتمام برسند و اجازه دخول به بهشت را دریافت کنند باید در انتظار بمانند. باغ دوم باغیست بهشتی و حقیقی که برای آنانی است که به خاطر جزای عمل خیر و عبودیت خود به آن رسیده‌اند. این باغ شامل ۸ باغ است که هر کدام از این باغ‌ها دارای صددرجه است که به تناسب عمل خیری که مرد یا زنی در دنیا انجام می‌دهد به مرتبه‌ای از آن نائل می‌گردد" [ابن عربی، بی‌تا: ۲۱].

در آیه ۴۸ در خصوص کلمه افنان دو احتمال هست یکی این که جمع فن باشد که معنای نوع را می‌دهد، و معنای جمله این است که: آن دو بهشت دارای انواعی از میوه‌ها و سایر لذاتند. و یکی دیگر این که جمع فن یعنی شاخه‌تر و پربرگ باشد، که در صورت معنی جمله این می‌شود که آن دو بهشت برعکس شاخه‌های پیر و جوان دنیا دارای درختانی نرم هستند این احتمال نیز هست که منظور درختانی با شاخه‌های مختلف از انواع میوه‌های مختلف باشد [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۶۳ و ۱۶۴].

در آیه ۵۰ کلمه عینان دلالت بر عظمت امر آن دو چشمه در آن دو بهشت می‌کند یکی از این چشمه‌ها التسنیم و دیگری السلسبیل نام دارد، که یکی از آب غیر آسن^{۲۵} و عسل مصفی^{۲۶} و دیگری از شرابی پاک است^{۲۷} که از کوهی از مسک سرچشمه می‌گیرد. آب این چشمه‌ها هیچگاه قطع یا کم نمی‌شود [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۶۴] و ابوبکر محمد بن عمر الوراق امکان مشابَهت این دو چشمه را با چشمه‌های دنیا منتفی می‌داند [المبیدی، ۱۳۵۷: ۴۲۶]. این دو چشمه نیز بر طبق سابق می‌تواند یکی معنوی (چشمه معرفت) و دیگری مادی (چشمه‌های شیر، عسل، شراب و آب) باشد. برخی این چشمه‌ها را به تجلی صفات و بهشت را به مشاهده ذات تعبیر کرده‌اند [ابن کثیر، ۱۴۲۰ه: ۱-۴۷۴].

در آیه ۵۴ به امنیت روحی و آرامش خاطر بهشتیان اشاره دارد و به محل نشستن آنان می‌پردازد. در قرآن از تخت‌های دیگر چون ارائک (تخت‌های سایبان‌دار) و سریر (تخت‌های بی‌سایبان) نیز یاد می‌شود [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۶۶-۱۶۵]. کلمه جنی به معنی میوه رسیده‌ای که وقت چیدنش شده باشد، و کلمه دان بمعنی نزدیکی است و معنای جمله این است که میوه‌های چیدنی درختان بهشتی نزدیک و در دسترس است [طباطبائی، ۱۳۸۲: ۱۸۵]. علاوه بر دو بهشت یاد شده، دو بهشت دیگر نیز هست که هر چند محتوی و نعمتهایی که در آنها است شبیه دو بهشت اول است، ولی از نظر درجه فضل و شرف پایین‌تر از آن دو است. این دو بهشت مخصوص مؤمنینی است که درجه ایمانشان پایین‌تر از درجه ایمان اهل اخلاص است، بعضی از مفسرین آیه را به نزدیکی دو بهشت اول معنا کرده‌اند، و اگر چنین باشد می‌توان چنین پنداشت که این دو بهشت هم از آن صاحبان دو بهشت اول است [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۷۵]. بعضی ادعا کرده‌اند که این دو بهشت افضل و بهتر از دو بهشت سابقند، و صفاتی که در آن دو بود به درجه عالیتری در این دو بهشت هست. در آیه ۶۴ کلمه ادھیمام از واژه دهمه بمعنی سبز پررنگ است، به طوری که از شدت سبزی رنگش متمایل به سیاهی شده باشد^{۲۸}، در این جمله در وصف دو بهشت مذکور می‌فرماید: "آن قدر سبز است سبزی و غرور درختانش بنهایت رسیده، و برگها متمایل به سیاهی شد. این رنگ نشانه طراوت و خرمی گیاهان و درختان بهشت است [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۷۷ و ۱۷۶]. در آیه ۶۶ به دو چشمه که دارای فواره‌هایی که آب آنها بشدت می‌جوشد، اشاره شده است.

مراد درخت میوه در آیه ۶۸ درخت خرما^{۲۹} و درخت انار^{۳۰} است. منظور از این آیه گستردگی این باغ و نیز شرایط خاص آن که انواع درختان در آن به بار می‌نشینند و مانند درختان و اقلیم زمین نیست، می‌باشد. سایه این درختان قطع نمی‌شود زیرا سایه بهشت چون سایه دنیا نیست که وابسته به طلوع و غروب آفتاب باشد [البیضاوی، بی‌تا: ۴-۴۹۸]. این سایه اشاره به استراحت دائمی بهشتیان نیز دارد [برسوی، بی‌تا: ۱۵۴].

ظل ممدود سرزلف توام بر سر باد کاندیرین سایه قرار دل شیدا باشد (حافظ)

در آیه ۷۰، ضمیر فیهن به بهشت‌ها بر می‌گردد، پس شاید منظور بهشت‌های فراوان دیگری در بهشت است. ولی بعضی از مفسرین مرجع ضمیر را همین چهار بهشتی دانسته‌اند که ذکرش در آیات آمده. و بعضی دیگر ضمیر را به فاکهه و نخل و رمان برگردانیده‌اند در ادامه به محل سکونت بهشتیان اشاره شده است. خیمه‌های بهشت از نظر وسعت، گستردگی و زیبایی با خیمه‌های دنیا قابل

مقایسه نیستند. البته معنی کلمه خیمه به خیمه‌های پارچه‌ای محدود نبوده و به خانه‌های چوبی و هر خانه مدوری نیز اطلاق می‌شود و به خانه‌ای گفته می‌شود که از سنگ و مانند آن ساخته نشده باشد [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۸۳-۱۸۴]. در کتاب صحاح درباره آیه ۷۶ می‌گوید: کلمه رفراف بمعنی برگ‌های گسترده درختان و نیز پارچه سبزی و رنگارنگی است که با آن می‌جلس آذین درست می‌کنند [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۵]. بعضی هم گفته‌اند: معنی بالش یا متکا است. کلمه خضر جمع اخضر (سبز) است که صفت رفراف قرار گرفته. و کلمه عبقری به گفته بعضی بمعنی جامه‌های بافت‌حیره و طنفسه (نوعی جامه) و به گفته جمعی دیگر بمعنی جامه‌های بافته از مخلوط پشم و نخ، و به گفته جمعی دیگر بمعنی دیبا است و نیز بمعنی شهرپریان نیز آمده است [مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۵].

یافتن مرکزیتی مانند دنیا، که بهشت برگرد آن نظام یافته باشد مشکل است. این مسئله به علت قرارگیری عناصر تمرکزگرایمانند: چشمه‌ها، حوض‌ها، قصرها و... که عموماً هم‌ارزشی برای هر کدام می‌توان یافت، در کنار هم است. از اینرو می‌توان حدس زد که در بهشت نباید، مرکزیتی‌هندسی را جستجو کرد و تمرکز باغ بهشت در معانی مشترک و مرکزیتی معنوی ایجاد شده است. مرکزیت می‌تواند هم‌گیره باشد و هم نشانه، اما در بهشت به علت ایجاد بصیرتی جامع به تمرکز می‌ماند این دنیا نیازی نیست. در منظر حسی بهشت، خطوط اصلی عمودی محسوب نمی‌شود زیرا نشانه عمودی نماد ارتباط با امر قدسی دور از دید است [نوربری شولتز، ۱۳۸۱: ۴۴]. در هریک از دو جفت باغ بهشتی که در سوره الرحمن آمده است، تفکیک بین باغ عمودی و باغ افقی، تفکیک قابل قبولی است و بهشت دوم چیزی نیست غیر از خدا که آن‌گونه که نسبت به مرتبه مقصور خود را افشا می‌کند یا می‌نمایاند، نیست، از این‌رو باغ عمودی مقام وصال است و دو باغ فرودین بهشت رویت سعیده است که سعادت افقی را نشان می‌دهد [شوان، ۱۳۸۳: ص ۲۹۳]. باتوجه به تفاسیری که در این باب آمده می‌توان به چهارچوبی کلی برای باغ بهشتی رسید که فارغ از تفاسیری که به کالبد این بهشت توجه ندارند، شکل بهشت باغی‌ست بی حصار و بی انتها که ساکنین آن در آرامشی ابدی، از سایه دائمی برخوردارند و تمام آن موهبتی که در دنیا از آن دور بوده‌اند را یکجا در دست دارند. این آرامش در قالب باغی گردآوری شده است که متضاد با آنرا در جهنم نیز با نشانه‌های باغی که درخت زقوم در آن می‌روید، می‌توان دید.

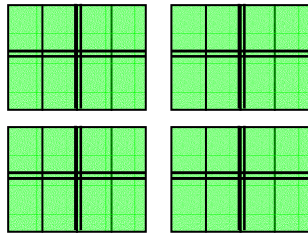
نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که عناصر طبیعی در دیدگاه انسان، سرشار از مفاهیم معنوی است. این اهمیت در دین اسلام مورد تاکید قرار می‌گیرد و این عناصر مادی، معنایی فراتر یافته و به عنوان پاداش انسان نیکوکار قرار داده می‌شود. در سوره الرحمن، باغ در دو سطح جزئیات و کلیات مورد اشاره واقع شده است. کلیات موضوع، چهار باغ بزرگ را یادآور می‌شود که در هر کدام از این باغات، باغاتی کوچک‌تر قرار دارند. تعداد کلی باغات چهارگانه و باغات کوچک‌تر یادآور طرح چهارباغ و مدوله شدن آن در باغچه‌های کوچک‌تر است که می‌توان نمونه آن را در طرح‌بندی باغاتی مانند باغ- مزار تاج محل دید. در باغ قرآنی از عناصری مانند درخت، چشمه، نهر، فواره، کوشک، صفه و تخت‌های سایبان‌دار نام برده شده است. درختان باغ براساس نوع در جاهای متفاوت قرار داده می‌شود. سدره‌المنتهی در مرزهای بهشت و طوبی چونان چتری تمام بهشت را پوشش می‌دهد. درختان مثمر نیز بیشترین حضور را در این باغ دارند. عنصر آب در قالب چشمه، جوی آب (نهر) و فواره ذکر شده است که دو چشمه عمده در باغ و نهرهای مربوط به آن می‌تواند طرح کلی آب‌رسانی دو جوی موازی را یادآور شود. کوشک‌ها نیز بر صفه‌هایی قرار داده شده‌اند تا هم بر کوشک تاکید شود و هم بهشتیان بر آن به نظاره باغ بنشینند. هم‌نشینی آب و کوشک براساس متن، در حالات مختلف می‌تواند تصور شود، اما براساس آیات، بهترین گزینه می‌تواند عبور آب از سطوح زیرین کوشک باشد. (تصویر ۲)



تصویر ۲. طرح بندی آب و کوشک براساس باغ قرآنی

شکل کلی باغ و باغات کوچکتر ۸ تایی را می‌توان براساس مطالب فوق و بخصوص تفسیر ابن عربی بر سوره الرحمن به صورت تصویر شماره ۳ تصور کرد.



تصویر ۳. طرح بندی ۴ باغ قرآنی و باغ‌های کوچکتر

درباره موقعیت دو چشمه ذکر شده و یا جای دقیق کوشک در باغ نتیجه مورد قبولی حاصل نگردید. اما در هر حال می‌توان به مشابهت‌هایی میان باغی که در سوره الرحمن ذکر شده با باغاتی که بعدها در سراسر جهان اسلام بوجود آمد اشاره نمود.

از آنچه در بالا آمد می‌توان دریافت که تشبیهات قرآن از باغ بهشتی، کمالی از آرزوی دائم بشر برای زیستن در طبیعتی است که در آن با آرامش زندگی کند و دور از انتظار نیست که انسان آرامش را در باغی پس از مرگ بیابد. این باغ با آنکه بسیار به باغ دنیا شبیه است ولی با توجه به خصوصیات آن که خود را از ساخته بشری فراتر می‌کند، می‌تواند به عنوان الگوی الهی که بشر سعی در رسیدن به آن را دارد مورد توجه قرار گیرد. این الگوی معنوی جایی که خداوند برای انسان‌های پاک به عنوان بهترین پاداش در نظر گرفته است، ذهن طراحان را نسبت به ایجاد و طراحی چنین عناصری در منظر و باغ اسلامی سوق داده است.

پی نوشت

۱. والتین و الزیتون (قرآن کریم، سوره تین، آیه ۱)
۲. در قرآن ۲۷ بار از کلمه درخت یاد شده است (المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل مورد فوق)
۳. Hapy
۴. Canaanite religion
۵. در قرآن ۶۴ بار از کلمه آب یاد شده است (المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل مورد فوق)
۶. "ملکوت خدا در درون شماس" لوقا، باب هفدهم، آیه ۳۱
۷. برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقتش دفتر است معرفت کردگار (سعدی)
۸. نبی چون آفتاب آمد ولی ماه مقابل گردد اندر "لی مع الله (۶)
۹. خداوند به او وعده داد که به جنتی که در آنجا بود، رجعت داده خواهد شد لیکن تا زمانی که به آن جنت برگردانیده شود بجائی فرستاده میشود که در آنجا کار کند و وسایل زندگی خود را فراهم نماید و در آنجا، تبار او متعدد شوند و رو به افزایش بروند، ترجمه نهج البلاغه (ذبیح الله منصوری) خطبه ۰۰۱- آغاز آفرینش آسمان و...
۱۰. (آل عمران-۱۹۸) لَکِنَ الَّذِینَ اٰتَقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیْهَا نَزُلًا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَیْرٌ لِّلْاَبْرَارِ
۱۱. تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، پل نوبه، اسماعیل سعادت، ج اول، ۱۳۷۳، مرکز جهاد دانشگاهی، ص ۱۳۴
۱۲. (النساء- 57) وَالَّذِینَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیْهَا اَبَدًا لَهُمْ فِیْهَا اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيْهَا ظِلٰلٌ کَثِیْرًا
۱۳. (المائدة-119) اِقَالَ اللّٰهُ هٰذَا یَوْمَ یَنْفَعُ الصّٰدِقِیْنَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیْهَا اَبَدًا رَّضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ ذٰلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیْمُ
۱۴. "در خانه پدر آسمانی ام عمارت بسیاری هست"، انجیل یوحنا، باب چهارم، آیه ۲.
۱۵. (التوبة-۷۳) وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیْهَا وَمَسٰکِنَ طَیِّبَةً فِی جَنَّٰتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ اَکْبَرُ ذٰلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیْمُ
۱۶. هشت جنت را از رحمت هشت در... (مثنوی معنوی، مولوی، ۲-۴۲۶-۱۲)
۱۷. (الرعد-۲۳) جَنَّٰتٌ عَدْنٍ یَدْخُلُوْنَهَا وَ مِنْ صَلٰحٍ مِّنْ اٰبَائِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَ دُرِّیَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِکَةُ یَدْخُلُوْنَ عَلَیْهِمْ مِّنْ کُلِّ بَابٍ
۱۸. (الحجر-۴۶)! اَدْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ اٰمِنِیْنَ

۱۹. (ص ۵۰-۵۱) جَنَّاتٌ عَدْنٌ مُمْتَنَّةٌ لَهُمْ الْأَنْبَابُ
۲۰. (النحل-۳۱) أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرُ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تُفَجِّرُ
۲۱. (الكهف-۳۱) أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا
۲۲. (النبا-۳۲) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا
۲۳. بهشت از کلمه وهشتوه پهلوی بمعنی کامل و بهترین مکان مشتق شده است (ینابیع الاسلام، لاهور، ۲۰۴) و نیز فرهنگ فارسی معین ذیل کلمه بهشت، و نیز بمعنی جهان خوشتر و نیکوتر آمده (حاشیه برهان قاطع، محمد معین)
۲۴. قال رسول الله (ع): جنتان من فضة آیتهما و ما فیها و جنتان من ذهب آیتهما و ما فیها و ما بینهم و بین ان ینظروا الی ربهما الالرداء الکبریاء علی وجهه فی جنة عدن (المنثور ج ۶ ص ۱۴۶)
۲۵. آبی غیر متغیر که مزه آن نگردد و بوی آن نگیرد.
۲۶. شهیدی که در آن موم و فضلات مگس نباشد.
۲۷. امام باقر از پیامبر روایت میکند که: لما دخلت الجنة رايت فی الجنة شجرة طوبی و یجرى نهر فی اصل تلك شجرة یتفجر منه الانهار نهر من ماء غیر آسن و نهر من لبن لم یتغیر طعمه و نهر من خمر لذه للشاربین و نهر من عسل مصفی (الصادق، ۴۱۸: آیات الولاية، ۱-۲۶۴)
۲۸. شاید در فارسی بتوان رنگ یشمی را مصداق آن دانست.
۲۹. درختی که برای تمثیل کلمه طیبه آمده است. (علامه مجلسی، ۱۳۸۶: ۴-۵۵۹)
۳۰. رسول الله از انار به سیدالفاکله یاد کرده است (۴۱ ص ۱۶۳).

منابع

- کوپر، جی، سی. ۱۳۷۹. فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ت: ملیحه کرباسیان، تهران.
- هال، جیمز، ۱۳۸۰. فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران.
- پرادا، ایدت. ۱۳۸۳. هنر ایران باستان، یوسف مجیدزاده، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فربود، فریناز. محمود طاووسی. ۱۳۸۱. بررسی تطبیقی مفهوم نمادین درخت در ایران، فصلنامه مدرس هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، دوره اول شماره دوم.
- آلبرماله، ایزاک. ۱۳۳۲. تاریخ ملل شرق و یونان، عبدالحسین خان هزیر، چاپ یکم، تهران، انتشارات کمسیون معارف.
- شبستری، محمود بن عبدالکریم. ۱۳۸۴. گلشن راز، جواد نوربخش، تهران: انتشارات یلدا قلم.
- Kramer, S.N, the Sacred Marriage Rite Bloomington: Indiana University, 1969.
- دادگی، فرنیغ، ۱۳۶۹. بن دهش، مهرداد بهار، انتشارات توس.
- Griffiths, J. Gwyn, Hecataeus and Herodotus on a Gift of the River, Journal of Near Eastern Studies 1966.
- Baly, Denis and A. D. Tushingam, Atlas of The Biblical World (New York: The World Pub, 1971
- عسقلانی، ابن حجر. ۱۳۲۸هـ، کتاب الاصابه، القاهرة، چاپ سعاده، ج ۲.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. ۱۹۶۰. تاریخ یعقوبی، بیروت، بی تا.
- حموی، یاقوت. ۱۹۵۷م. معجم البلدان، بیروت، بی نا، ج ۵.
- ابن اسحاق، محمد. ۱۳۸۲هـ. ق. سیره النبی، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، القاهرة، بی نا، ج ۲، ج ۳.
- مطری، محمد بن احمد. ۱۳۷۲هـ. التعریف، محمد عبدالحسین الخیال، بالمدينة منوره، منشورات اسعد درابزونى.
- مسلم، الصحیح. ۱۳۷۴. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، القاهرة، بی نا، ج ۱.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۵۹. نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی، تهران.
- نسفی، شیخ عزیزالدین. ۱۳۶۳. زبده الحقائق، ناصری، حق وردی، تهران، طهوری، چاپ اول.
- Brooks, John, Weidenfeld and Nicolson, Garden of Paradise, the History and Design of the Grate Islamic Garden, London, 1978
- المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین. ۱۳۵۷. کشف الاسرار وعده الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، جلد نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- Hanaway, Jr W. L, the Terrestrial Garden, Colloquium, Washington D.C, Dumbarton Oaks. 1976
- کورکیان، ا.م. ۱۳۷۷. **باغهای خیال**، پرویز مرزبان، نشر فرزبان، تهران.
- Stuart, C.M.V, Gardens of The Great Mughals, London, Adam and Charles Black, Soho Square, 1913
- Marcus, Margaret, the Romantic Garden in Persia, the Journal of Aesthetics and Art Criticism, Vol. 5, No. 3. (Mar., 1947)
- قرآن، ۱۳۸۴. ت: مهدی الهی قمشه ای، موسسه الهادی، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم.
- شوان، فریتوف، ۱۳۸۳. **اسلام و حکمت خالده**، فروزان راسخی، هرمس، چ اول.
- آذریاد، حسن، حشمتی رضوی، فضل الله، ۱۳۷۲. **فرشنامه ایران**. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- زاهد زاهدانی، مهدی، **باغهای ایرانی الگویی جهت طراحی محیط**، جلوه هنر، شماره ۸ و ۹.
- Laurie, Michael, an Introduction to Landscape Architecture, Elsevier Publishing Company, 1986.
- دیبا، داراب-امیرادلان، هوشنگ- **گزارش یک دیدار**، ارژنگ پژار، آبادی، شماره ۲۸ و ۲۷
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۱. **مقدمه و پاورقی اصول فلسفه و روش رئالیسم**، سید محمد حسین طباطبائی، صدرا، قم.
- اسدی رازی، نجم الدین ابوبکر محمد بن شاهاور. ۱۳۸۴. **منارات السائرين**، عاصم الکیالی، دار الکتب العلمیه.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۸۱. **الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه**، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۵. **تفسیر نمونه**. دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۸۲. **ترجمه تفسیر المیزان**، جلد ۱۹، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- Schimmel, Annemarie, the Empire of the Great Mughals: History, Art and Culture, Reaktion Books, 1994.
- ابن عربی، محی الدین، **الفتوحات المکیه**، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- البقلی الشیرازی، ابومحمد بن ابی نصر. ۵۱۰۸۳. **عرائس البیان فی حقائق القرآن**،
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر. ۵۱۴۲۰. **تفسیر القرآن العظیم**، دار طیبه للنشر والتوزیع.
- مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، ج ۶۶ کتابچی، ۱۳۸۶.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. ۱۳۸۱. **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، محمد تقی و جمعی از مترجمین، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- البیضاوی، أبو الحسن علی بن محمد، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، موقع التفاسیر. بی تا.
- بروسوی، اسماعیل، **روح البیان فی تفسیر القرآن**، دار الفکر، بی تا.
- نوربری شولتز، کریستیان. ۱۳۸۱. **مفهوم سکونت**. آزاد محمود امیر یار احمدی، تهران، آگه.